



بازاندیشی در رابطه بین انسان و طبیعت (طبیعت مساوی): پارک سبز عمودی شهری اگالارتی، ایالت متحده امریکا ۲۰۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

کد مقاله: ۶۱۹۱۴

مجید خیرخواه*

چکیده

رابطه انسان با طبیعت در طول تاریخ فراز و فرودهایی را داشته است. دو تفسیر گوناگون از این سیر وجود دارد. به نظر غربیان امروزه کاملترین نوع این رابطه به ظهور رسیده است. ولی در نگرش شرقی این سیر رو به زوال بوده و در سه یا چهار دوره انحطاطی، امروزه بدترین شرایط این رابطه متحقق شده است. این مقاله نوشتاری پیرامون ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت اثر متقابل انسان و محیط در بوسه معماری بر یکدیگر است. انسان همواره تعاملی تنگاتنگ با محیط پیرامون خود داشته و خود نیز نقش موثری در شکل دهی به آن ایفا کرده است. متأسفانه مشاهدات هرروزه شهروندان و متخصصان از فضاهای شهری گویای این واقعیت است که معیارهای کمی و کالبدی دارای برتری چشمگیر و برجسته‌ای در مکان‌یابی و طراحی فضاهای سبز عمومی شهرها دارد و نگاه‌های مردسالارانه، قییم مآبانه و فن محورانه محوریت اصلی طراحی امروزی شده روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده است. هدف این تحقیق چگونگی استفاده و بازاندیشی در رابطه بین انسان و طبیعت (طبیعت مساوی) در فرآیند طراحی است. ادامه مقاله نمونه موفق این مطالعات، پارک سبز عمودی شهری اگالارتی "ایالت متحده امریکا ۲۰۲۰ می باشد که برنده مسابقه معماری سال ۲۰۲۰ شده است، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: رابطه بین انسان و طبیعت، طبیعت مساوی، پارک سبز عمودی شهری، اگالارتی (ایالت متحده امریکا ۲۰۲۰)

ساختن برای بشر یک نیاز و یک ضرورت است شاید بتوان گفت اولین نیاز انسان نیاز به سرپناه باشد در این خصوص ساختن ابتدایی‌ترین بنا به صورت معماری توده و معماری مردمی با آگاهی از معیارهای پشتیبان و با آگاهی شخصی سازنده بر اساس معیارهای عرف جامعه صورت می‌گرفت اما نیاز انسان به ایجاد ساختمان به عنوان وسیله‌ای برای بیان احساسات مشترک منجر به ایجاد معماری متعارفی گردید انسان در ساخت یک بنا از اعمالی استفاده می‌کند که از اندیشه او نشأت گرفته است چنانکه گویی اندیشه‌های او به یک معنا با خود او در فضای ساختمان و در طرح آن آمیخته هستند معماری یک اجماع انسانی از طریق اندیشه و تقلید به وجود می‌آید و متحول می‌گردد تصمیماتی که انسان در طراحی و خلق یک ساخته و برای برآوردن نیازهای زندگی اتخاذ می‌کند بین او و ساختمان رابطه ایجاد می‌کند که به زندگی معنی می‌بخشد و در طی آن به هویت خود پی می‌برد برند به این هم به این هویت مفهوم می‌دهد انسان در دوران مختلف تاریخی با دخالت در محیط آن را به صورت بهینه در آورده است. "وسعت تأثیرات و صدمات محیط انسان ساخت بر محیط زیست طبیعی، ایجاد می‌کند که معماران مسئولیت‌ها و نقش خود را در تعدیل این فرایندهای آسیب رساننده و تغییر مسیر تصمیم‌گیری‌های معماری بپذیرد. (هیرمندی نیاسر، ۱۳۹۵)

هدف اصلی پژوهش حاضر بازاندیشی در رابطه بین انسان و طبیعت (طبیعت مساوی) و آسیب شناسی کیفی فضاهای سبز شهری در آینده معماری است یکی از مهم‌ترین انواع فضاهای سبز شهری یعنی پارک‌های شهری می‌باشد. نظر به اهمیت پارک‌های شهری در ساختار فضایی شهر و کارکردهای متنوع اکولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و روانی آن‌ها و هزینه‌های بالایی که از سوی مدیریت شهری و سازندگان بناها برای ایجاد و نگهداری آن‌ها هزینه می‌شود، این گونه ارزیابی می‌تواند به بهبود کیفیت برنامه‌ها و طراحیها کمک نماید و در دیدگاه متفاوتی طبیعت‌بده زندگی روزی بشر وارد شود. برای این مهم پارک سبز عمودی (فضای سبز) در مسابقه جهانی آسمان خراش ۲۰۲۰ در امریکا جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است عنوان پروژه پارک عمودی شهری اگلارتنی ۲۰۲۰، معمار یوتیان تانگ، یونتاو خو مورد ارزیابی قرار گرفته است که با توجه به توصیف جزئیات بیشتر درخصوص محدوده مورد مطالعه در ادامه نوشتار، از ذکر بیش تر جزئیات در این بخش خودداری می‌شود.

۲- ماهیت پارک و فضای سبز شهری

کلمه پارک از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شده است و به معنی باغ وسیع پردرخت است که برای گردش و شکار و ... استفاده می‌شود. (حکمتی، ۱۳۸۶) بنا به تعریفی دیگر، پارک عبارت است از فضای سبز طراحی شده‌ای که در مالکیت عموم قرار دارد و جزئی از فضاهای شهری محسوب می‌شود. این فضاها توسط گیاهان و درختان پوشیده شده و بر اساس نظارت و مدیریت انسان، حفظ و نگه‌داری یا احداث می‌شوند (مهندسین مشاور رویان، ۱۳۸۹). در سوی دیگر، فضای سبز به زمین‌هایی با پوشش‌های گیاهی بلند یا نسبتاً بلند نظیر جنگل، باغ و ... اطلاق می‌گردد. در واقع سطوحی را فضای سبز تعبیر می‌کنیم، که توسط درختان دارای بُعد، حجیم شده و تبدیل به "فضای مثبت" گردیده‌اند. در مقابل سطوحی که عاری از درخت بوده و گیاهان آن منحصر به سطوح چمن و انواع گیاهان پوششی باشند، به عنوان "فضای منفی" یا به عبارت بهتر "سطح سبز" تعریف می‌شوند (مهندسین مشاور آمایش محیط، ۱۳۷۲). با توجه به این تعاریف، مهم‌ترین وجه تشابه تعاریف میان پارک و فضای سبز را باید در کارکردهای مثبت آن‌ها جستجو نمود. به عبارت دیگر هر دوی آنها فضایی هستند که مشاهده و حضور در آن‌ها می‌تواند از ابعاد مختلف زمینه آرامش انسان را فراهم سازد. نکته افتراق این دو مفهوم نیز آن است که فضاهای سبز مفهومی کلان‌تر هستند که علاوه بر پارک‌ها که عمدتاً دارای ماهیت عمومی هستند، دربرگیرنده فضاهای خصوصی همچون باغ‌ها و فضای سبز بلوارها نیز می‌شود. در مقیاس شهری، فضاهای سبز، نوعی از سطوح کاربردی زمین شهری با پوشش‌های گیاهی انسان ساخت هستند که علاوه بر "بازدهی اکولوژیک"، واجد "بازدهی اجتماعی" نیز می‌باشند (محمدی، ۱۳۸۱). به بیان دیگر، فضای سبز شهری بخشی از ساختار شهری است که جانمایی آن باید هم‌سو با ضروریات زندگی شهری و در پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌های شهری و توجه به الگوهای ارزشی که دارای معانی و مفاهیم فرهنگی منتج از درون جامعه است، صورت پذیرد (باباپور، ۱۳۸۷). این فضاها دربرگیرنده بخشی از سیمای شهر است که از انواع پوشش‌های گیاهی تشکیل شده است و به عنوان یک عامل زنده و حیاتی در کنار کالبد بی‌جان شهر، تعیین‌کننده ساخت مرفولوژیک شهر می‌باشد (سعیدنیا، ۱۳۸۹).

۳- انسان، طبیعت و معماری

اولین نیازی که انسان اولیه در خود احساس کرد، احساس یک سرپناه بود. در این خصوص ساختن ابتدایی‌ترین بناها به یک برنامه ریزی و تصمیم‌گیری نیاز داشت. (نزبیت، ۱۳۸۶) بعضی‌ها معتقدند که با غلبه بر طبیعت، چالش با فرهنگ از نقطه مقابل آن رخ می‌نماید یعنی از دانش و آگاهی بشر و شکل‌ابزاری شده آن، یعنی فن‌آوری. مثلاً همراه با پیشرفت فن‌آوری، نوع بشر بحران محیطی جهانی‌ای را به وجود آورده است. در جایی دیگر، الکساندر می‌گوید اگر بر اثر رشد سریع جمعیت به فرض تأمین غذای همه آنها مقدور باشد و اگر تحت چنین شرایطی آدمی هنوز باقی بماند و به زندگی ادامه دهد، بی‌تردید به موجود دیگری

تبدیل شده است؛ یا موجودی دیگر که دست کم از دیدگاه او قابل قبول نیست. او از ضعف و سستی انسانیت صحبت می کند. (الکساندر، و سرچ چرمایف ۱۳۷۶) یکی از مهم ترین ویژگی های جهان معاصر، اسکان بخش عمده های از جمعیت جهان به ویژه در کشورهای توسعه یافته و بعضاً در حال توسعه در مناطق شهری است (Munier, 2006).

در طی سالهای اخیر برای اولین بار تعداد ساکنین شهرها با ساکنین نواحی غیر شهری برابر شده است. (Fargkou, 2009) بر اساس اعلام رییس برنامه اسکان بشر ملل متحد سال ۲۰۰۷ نخستین سال تاریخ بشر بوده که بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها به سر میبرند. (Harper, and Graedel, 2004) رشد سریع شهرها را میتوان از بزرگترین تهدیدکننده های محیط زیست برشمرد که تأثیرات آن به ساکنین شهرها یعنی انسانها منتقل خواهد شد و تأثیری بس فرساینده بر روح و جسم انسان شهری باقی خواهد گذاشت. (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱). ساکنان شهرهای امروزی تنها (به غذا نیازمند نیستند که با برطرف کردن آن، مسأله به نوعی پایان یافته تلقی گردد؛ بلکه مسکن خوب، فضای زندگی محیط آرام و تنفس هوای پاکیزه نیز در زمره نیازهای اصلی و عمده به شمار میآیند. شکویی، ۱۳۸۵) مطالعات نشان داده است که افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی موجب تبدیل فضاهای سبز شهری به سطوح بتنی خشن و نفوذ ناپذیر می شود و این روند به ویژه در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم نمود جدیتری دارد (Shi, Long 2002).

حاکم شدن مقیاس ماشین بر مقیاس انسانی در برنامه ریزی ها و طراحی های شهری و ضرورت توجه به نیازهای ماشین جهت حرکت، پارک و ... باعث تخریب بسیاری از فضاهای طبیعی و بکر در درون و پیرامون شهرها شده است، فضاهایی که علاوه بر مهمترین و اصلی ترین کارکردشان، یعنی کارکرد اکولوژیکی، دارای کارکردهای متعدد اجتماعی، فرهنگی، روان شناختی و حتی سیاسی برای اجتماعات انسانی بوده و هستند. متأسفانه، نوع بشر با تخریب فضاهای بکر طبیعی به دلیل عدم شناخت و کم توجهی و چه بسا منفعت طلبی لجام گسیخته در دهه های گذشته، با جدایی بیش تر انسانها از بخشی از هویت وجودیشان یعنی طبیعت شدند. طبیعتی که انسان از آن ریشه گرفته است (خاک) و بدان باز میگردد. طبیعتی که نخستین و باوفا ترین همراه انسان از آغاز خلقت تا کنون بوده است و زمینه ای مناسب و شایسته را برای رشد و تعالی انسان فراهم ساخته است. (حاتمی نژاد، عمران زاده، ۱۳۸۹)

۴- رابطه فضای سبز و معماری در زندگی امروزه انسانها

فضاهای سبز موجود در عرصه های شهری در واقع بخشی از فضاهای عمومی شهرها هستند که میتوان آن ها را جز مهم ترین بخشهای محیطهای شهری به شمار آورد. این عرصه ها به عنوان مکانهایی تعریف می شوند که همه شهروندان به صورت آزاد (و قانونی) بدان دسترسی دارند. از جمله مهم ترین فضاهای عمومی شهرها میتوان به خیابانها، میادین، گره گاه های شهری چون چهارراه ها و هم چنین فضاهای سبز شهری همانند پارک های شهری اشاره نمود. یکی از مهم ترین این عرصه ها، پارکها و فضاهای سبز شهری اند که نقش فعالی در سلامتی شهر و شهروندان ایفا میکنند. فضای سبز بر خلاف معنایی که ممکن است در ذهن ایجاد کند، تنها محلی نیست که شامل چند درخت و نیمکت باشد، بلکه نماد و سمبلی از تفکرات فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است و عاملی مهم در فضای شهری محسوب می شود که همواره از جنبه های اجتماعی، فرهنگی روانی مورد توجه عموم مردم است. (صالحی فرد و دیگران، ۱۳۸۹)

۵- فضاهای سبز و تحولات روند شهرنشینی

موضوع فضاهای سبز شهری همگام با تحولات روند شهرنشینی و گسترش کالبدی فضایی مناطق شهری و گسست رابطه انسان شهرنشین با طبیعت، روز به روز اهمیت بیش تری به خود میگیرد. بدون شک یکی از مهم ترین تجلی ها و نمودهای این اهمیت را میتوان مطرح شدن بعد زیست محیطی پایداری شهری دانست. محیط زیست و طبیعت به عنوان یکی از وجوه اساسی زندگی و وجود انسانها، همواره در زندگی بشر از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است و با شهرنشین شدن انسان و کم تر شدن ارتباط مستقیم آنها با نظامهای طبیعی، اهمیت آن دوچندان شده است. کارکردهای متنوع و گوناگونی که طبیعت و فضاهای سبز میتوانند در زندگی انسان داشته باشند باعث گردیده است که بعد زیست محیطی تبدیل به یکی از مهم ترین ابعاد پارادایم توسعه پایدار شهری گردد. از جمله کارکردهای مهم پارک ها و فضاهای سبز عمومی در شهرها و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان میتوان به کارکردهای اجتماعی، روان شناختی، فرهنگی، اقتصادی و اکولوژیکی آن ها اشاره نمود:

کارکرد جامعه شناختی: فراهم سازی زمینه برای شکلگیری کنشها و تعاملات اجتماعی بهتر میان شهروندان، انتشار دانشها؛ تجربیات و عقاید و ارزشهای مرتبط با حوزه های مختلف زندگی روزمره انسان ها، کمک به اجتماعی شدن افراد و شکل گیری شبکه های اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی در سطح جامعه، زمینه سازی برای افزایش سطح همبستگی و انسجام اجتماعی در سطح جامعه، کمک به شکلگیری تشکلهای غیردولتی و سازمان های مردم نهاد، زمینه سازی برای پرکردن اوقات فراغت و تفریح شهروندان در گروه های سنی و جنسی مختلف و ...

کارکرد فرهنگی: گسترش فرهنگ شهری و حقوق شهروندی، بستر سازی برای آشنایی افراد با مفاخر ملی و مفاهیم ارزشی (انسانی)، برگزاری تعدادی دوره‌های آموزشی، تحقیقاتی، جشنواره‌ها، شب شعرها، مسابقات نقاشی کودکان و ... پارک‌ها و فضاهای سبز شهری، زمینه‌سازی برای آشنایی شهروندان با عقاید و ارزش‌ها و باورهای سایر گروه‌ها، اقوام و اقلیت‌های ساکن در شهر، زمینه‌سازی جهت آشنایی مهاجران با فرهنگ زندگی شهری.

کارکرد روان شناختی: ایجاد آرامش روحی و روانی، تأثیرات مثبت در سلامتی جسمی و بدنی افراد، ارتقای کارایی و بازده عملکردی افراد، حل چالش‌ها و تنگناهای افراد از طریق تبادل افکار، تأثیر بر روی رفتار انسان‌ها و پویایی ذهنی و رفتاری آن‌ها، ماندن افراد در وضعیت فیزیکی و روحی مناسب از طریق حضور مستمر در پهنه‌های طبیعی و پارک‌ها و فضاهای سبز شهری. Roseland, (M (Ed) (1997)

کارکردهای اکولوژیکی: بهبود شرایط بیوکلماتیک در شهر، کاهش آلودگی هوا، تأثیر مثبت بر چرخه آب در محیط زیست شهری و افزایش کیفیت آب‌های زیرزمینی، افزایش نفوذپذیری خاک و کاهش آلودگی صوتی. (محمدی، ۱۳۸۱).

از سوی دیگر، اهمیت بعد زیست محیطی در بحث پایداری شهرها زمینه‌ساز شکل‌گیری نظریه‌ها و اندیشه‌هایی چون شهر اکولوژیک (بوم‌شهر) و اکوپارک‌ها یا پارک‌های اکولوژیک در حوزه توسعه پایدار شهری گردیده است. (گروتو، ۱۳۷۵)

شهر اکولوژیک (Eco City): اصطلاح شهر اکولوژیک یا بوم شهر واژه‌ای نسبتاً جدید است، اما با این حال مبانی و مفاهیمی که این اندیشه بر آن مبتنی شده است، دارای تاریخی طولانی است (Wong, T., B., Yuen (2011)). شهرها هر چند که نمودهای کالبدی فضایی فعالیت‌های انسانی قلمداد می‌شوند، اما به واسطه پیچیدگی آن‌ها و تأثیر پذیری شان از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی گروه‌های انسانی، از آن‌ها به عنوان موجودات زنده تعبیر می‌شود که دارای حیات می‌باشند. پس اگر شهر موجودی زنده و واجد حیات است که تحول و تکامل خود را بر پهنه بوم و قلمرو طبیعی خود دنبال می‌کند، شناخت چگونگی ارتباطات متقابل میان سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر با محیط زیست پیرامون و تلاش در جهت ایجاد تعامل مثبت و هماهنگی را می‌توان از اهداف اصلی نظریه شهر اکولوژیک دانست. به بیانی دیگر، شهر اکولوژیک، شهری است که فرایند‌های استفاده مجدد از منابع، بازیافت، کاهش مصرف و بازتولید در مدیریت و برنامه ریزی بخش‌های مختلف آن لحاظ شود و هدف از اجرای این فرایندها رسیدن به توسعه پایدار زیست محیطی در محیط شهری است. (عباس زاده، ۱۳۹۰)

- نظریه شهر اکولوژیک نیل به پایداری زیست محیطی در محیط شهری را منوط به رعایت اصول دهگانه زیر می‌داند.
- اصلاح و بازبینی اولویت‌های کاربری زمین برای ایجاد اجتماعات فشرده، متنوع، سبز، ایمن، دلپذیر با کاربری مختلط در مجاورت گره‌های حمل و نقلی و دیگر تسهیلات حمل و نقل.
 - اصلاح و بازبینی اولویت‌های حمل و نقل برای مورد اهتمام قرار دادن پیاده، دوچرخه، درشکه و حمل و نقل عمومی و تأکید بر دسترسی به واسطه مجاورت.
 - احیا کردن محیط‌های شهری خسارت دیده به ویژه خطوط ساحلی، نهرها و رودها، زمین‌های حاصل خیز و ...
 - ایجاد واحدهای مسکونی ایمن، راحت و آراسته و در حد توان تمامی گروه‌های درآمدی و از حیث اقتصادی و نژادی مختلط و متنوع.
 - احیای عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های ارتقا برای زنان، رنگین پوستان و ناتوانان.
 - حمایت از کشاورزی محلی، پروژه‌های شهری سبز و باغ‌های اجتماعی.
 - ارتقا و احیای بازیافت، فن‌آوری‌های مناسب و خلاقانه و حفاظت از منابع در عین آن که مواد زاید خطرناک و رشد جمعیتی کاهش می‌یابد.
 - کارکرد و حمایت کردن از کسب و کارها و فعالیت‌هایی که حمایت‌کننده و مشوق فعالیت‌های اقتصادی هستند که از لحاظ اکولوژیکی سالم و ایمن می‌باشند و در عین حال آلودگی، ضایعات و استفاده و تولید مواد خطرناک را تشویق و حمایت نمی‌کنند.
 - بهبود و ارتقا ساده زیستی اختیاری و داوطلبانه و عدم تشویق و تبلیغ مصرف افراطی کالاهای مادی.
 - افزایش آگاهی نسبت به محیط‌های محلی و زیست بوم از طریق پروژه‌های آموزشی و فعالانی که آگاهی عمومی را در زمینه موضوعات مرتبط با پایداری اکولوژیکی افزایش می‌دهند. (Wong, T., B., Yuen 2011)

۶- توجه به معنادر شهرسازی از دیدگاه لینچ

پس از نگاه کالبدگرایانه که در شهرسازی مدرن جایگاه خاصی یافته بود؛ کوین لینچ را می‌توان از سردمداران اندیشمندانی دانست که توجه به معنا در شهر را سرلوحه کار خود قرار دادند، "ملاحظه محیط شهری به عنوان موجودیتی سرشار از معنی" انسان موجودی است که در طبیعت قرار گرفته و همراهی با طبیعت در هر زمان و مکانی از نیازهای مبرم عمومی باشد فضای زندگی او باید با طبیعت و بستر طبیعی خود مطابقت داشته باشد و ناها موجود این که در طبیعت قرار گرفتند و طبیعت

مجموعه منظم است هایدگر در سال ۱۹۵۱ در گردهمایی انسان و فضا گفته بود نجات زمین سروری بر آن و به زیر فرمان کشیدنش نیست فقط گامی با چپاول بی حد فاصله دارد. (یار احمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۶)

۷- برخورد انسان با طبیعت

ارتباط با طبیعت امروزه به مسئله ای مهم برای همه جوامع تبدیل شده که به دو شکل اصلی بروز کرده است. امروزه طبیعت از زندگی انسان فاصله گرفته طبیعت توسط انسان در حال نابودی است هماهنگی معماری و طبیعت: اساس ساختن دست اندازی به طبیعت است گروتز در سال ۱۳۷۵ می گوید: چنانچه نوع این دست اندازی ارتباط نزدیک با طرز فکر انسان و نگرش او نسبت به طبیعت دارد نخستین دیدگاهمان بود که انسان خود را جزئی از طبیعت می‌انگاشت و خود را با نظم طبیعت همراه می‌دانست. (زمانی ۱۳۸۵)

۸- وابستگی انسان به طبیعت

طبیعت ساختار یا بسته و در عین حال چرخه کاملی دارد معماری طبیعت از طبیعت و آثار طبیعت در طول تاریخ همیشه منبع الهام و سرمشق خلاقیت های انسانی و منشأ خدماتی برای انسان جستجوگر و کنجکاو بوده است در این روند انسان پس از گذر از قهر طبیعت توانسته از چیرگی های خود را به او نشان دهد هرچند امروزه واژه معماری ارگانیک به عنوان رمز واژه طبیعت استفاده می‌شود هنگامی که در رابطه با معماری مطرح می‌گردد که تنها به معنی تقلید صرف از طبیعت نیست بلکه باید ساخت فرم گونه به طبیعت نزدیک و در واقع ذاتاً طبیعی باشد یکی از موارد و جنبه‌های تقلید در معماری به بیان دیگر طبیعت تقلید شده از اصول زیبایی و پایداری طبیعت است تقلید از منطق طبیعت و نهایت خلق سازه و تقلید در ایجاد فضاست (کیانی، ۱۳۸۰، ۱۸۰)

۹- نیاز و ضرورت به ساختن برای بشر

ساختن برای بشر یک نیاز و یک ضرورت است شاید بتوان گفت اولین نیاز انسان نیاز به سرپناه باشد در این خصوص ساختن ابتدایی‌ترین بنا به صورت معماری توده و معماری مردمی با آگاهی از معیارهای پشتیبان و با آگاهی شخصی سازنده بر اساس معیارهای عرف جامعه صورت می‌گرفت اما نیاز انسان به ایجاد ساختمان به عنوان وسیله‌ای برای بیان احساسات مشترک منجر به ایجاد معماری متعارفی گردید انسان در ساخت یک بنا از اعمالی استفاده می‌کند که از اندیشه او نشأت گرفته است چنانکه گویی اندیشه‌های او به یک معنا با خود او در فضای ساختمان و در طرح آن آمیخته هستند معماری یک اجماع انسانی از طریق اندیشه و تقلید به وجود می‌آید و متحول می‌گردد تصمیماتی که انسان در طراحی و خلق یک ساخته و برای برآوردن نیازهای زندگی اتخاذ می‌کند بین او و ساختمان رابطه ایجاد می‌کند که به زندگی معنی می‌بخشد و در طی آن به هویت خود پی می‌برد برند به این هم به این هویت مفهوم می‌دهد انسان در دوران مختلف تاریخی با دخالت در محیط آن را به صورت بهینه در آورده است. (عطایی، طباطباییان ۱۳۹۸)

۱۰- مقدمه ارتباط و تماس انسان با طبیعت

ارتباط و تماس انسان با طبیعت و حفاظت از محیط زیست از جنبه‌های مختلفی واجد اهمیت است که یکی از مهم‌ترین این جنبه‌ها که علاوه بر اهمیت مادی واجد ارزش معنوی و روانی نیز هست ایجاد احساس ارتباط با گذشته و پیوند با آینده در انسان است اوه بر اهمیت ما نیاز اینکه این نیاز تا جایی است که حتی گروه‌هایی یا تفکراتی مثل مدرن نیست که فرهنگ و تاریخ را نفی می‌کند برای پاسخگویی به این نیاز اساسی انسان توسعه موزه ها را در دستور کار خویش قرار داده است که انسان‌ها همواره مشتاق و در پی ارتباط با گذشته خویش هستند یکی از مهم‌ترین آثاری که می‌تواند این ارتباط را به نحو مطلوب قرار دهند نمایش دهد برقرار نماید فرهنگ و محیط زندگی انسان هاست و فرهنگ نیز به نوبه خود شامل اجزاء و عناصر متعددی است که نقش جملگی آنها در تداوم حیات انسان و فعالیت های او نقشی یگانه است نه تنها یکی از اجزای فرهنگ باورها و اعتقادات مردم نسبت به محیط خویش است که عناصر طبیعت نیز بسیار و متنوع و گسترده هستند (تقی زاده، ۱۳۸۴، ۱۳۴).

امروز در نظریه های بسیاری از متفکران مانند فیلسوفان معماران بزرگ و طراحان محیط از یک نوع هستی شناسی نوین سخن به عمل می‌آید که در آن رابطه هماهنگ میان انسان و طبیعت و احیای سرشت انسانی و یافتن قواعد موجود در طبیعت جستجو می‌شود این بازگشت در نظریه های معماری معاصر به طور عمده توسط بازگشت به دیدگاه ارگانیک شناخته شده است طبیعت در این نظریه‌ها به عنوان یکی از مظاهر رابطه میان انسان با محیط مطرح شده است در معنای دقیق تر طبیعت امروزه به موضوعی یا عینیت ای تبدیل شده که انسان و قصد نجات دادن آن را دارد. (نورمحمدی، ۱۳۸۸)

۱۱- سیر تحول ارتباط معماری و طبیعت

با توجه به مفاهیم بیان شده، ارتباط میان طبیعت و معماری در سه دوره قبل از مدرن، مدرن و پس از مدرن قابل بررسی است، در دوره قبل از مدرن توجه بیشتر به منشا پیدایش جهان بود و از این رو طبیعت به معنی سر منشا و فطرت به وسیله معماری بیان می‌شد. در دوره مدرن دیدگاه‌های بشری دگرگون شد و باعث به وقوع پیوستن انقلاب صنعتی و پیشرفت زیاد علوم و فنون گردید. خرد گرایی و انسان مداری از ویژگی‌های این دوره است که انسان را عامل و فاعل دانسته و وی را از کیهان و خدا جدا می‌کند. توسعه صنعت شناخته شد. معماری در خام مواد در چنین زمانی طبیعت تنها در معنای کل موجودات و به عنوان منبع پایان ناپذیر این دوره به امور کمی انسان و استانداردهای فیزیکی زندگی وی تقلیل یافت و بر خلاف معماری کهن که معماری هدایتگر و منطبق بر اهداف فلسفی انسان بود تنها به نیازهای آدمی منطبق شد و به جنبه‌های هدایت و پرورش آن توجه نکرد و زیبایی را در پاسخ گویی کامل به نیازهای این جهانی انسان دید. اما چندی نگذشت که بحران محیط زیست، استثمار انسان و بی هویتی، جامعه مدرن را فرا گرفت. معماری این دوره را می‌توان "معماری مسلط بر طبیعت" نامید زیرا به ذات امور توجه و از عناصر و نیروهای طبیعی به درستی در جای خود استفاده می‌کند. (فلاحت و شهیدی ۱۳۸۹)

در دوره پس از مدرن التقاط تکنولوژی و طبیعت ظاهر می‌شود تا بحران‌های حاصل از تفکر مدرن را بهبود بخشد. معماری‌های تک که محصول دوره مدرن است در این زمان برای حفظ اکوسیستم‌های طبیعی به اکوتک و ارگانی- تک توسعه یافت. در این دوره طبیعت، نیروهای طبیعی، اکوسیستم و نوع رابطه موجود زنده با محیط زیست مورد توجه قرار گرفت و معماری زمان نیز از این تفکر تاثیر پذیرفت. در این دوره مفهوم پایداری متولد و در محافل علمی دنیا توسعه یافت. معماری این دوره را می‌توان "معماری همراه با طبیعت" نامید زیرا به ذات امور توجه و از عناصر و نیروهای طبیعی به درستی در جای خود استفاده می‌کند. (عابدی، ۱۳۸۹)

۱۲- آسمان خراش همگام با طبیعت (مسابقه ۲۰۲۰ معمار: یوتیان تانگ)

جایگاه دوم مسابقه آسمان خراش ۲۰۲۰ یوتیان تانگ، یوتائو خو ایالات متحده

آسمان خراش Egality Nature یک نوع ساختمان خراش جدید را تصور می‌کند که ناشی از اصرار انسان به ارتباط با طبیعت به جای دیدگاه سرمایه گذاری و تخریب آن است. این نوع جدیدی از زیرساخت‌ها را فراهم کرده است که برای خدمت رسانی به کل جامعه طراحی شده است. آسمان خراش با احترام ویژه به گذشتگان از کانسپت رشته کوه الهام گرفته است و بصورت رشته کوهی تصور می‌شود که راهی جدید برای تجربه و حضور انسان در طبیعت و در محیط شهری را فراهم می‌کند. یک مسیر کوه نوردی زیگزاگ همراه با فضاهای انتزاعی ایجاد شده است که تعامل غیرمنتظره بین مردم و طبیعت را ایجاد می‌کند و افراد را برای ادامه مسیر تشویق می‌کند. حضور در این فضا و دسترسی و ارتباط با برج توسط ابزارهای ساخت دست بشر تعیین نمی‌شود بلکه قدرت بدنی فرد تصمیم می‌گیرد که در ادامه مسیر را بده یا خیر.

۱۲-۱ بازاندیشی رابطه بین انسان و طبیعت

دیدگاه دیگر نسبت به طبیعت پیشنهاد طراحی با بازاندیشی در رابطه بین انسان و طبیعت است، امکان جدید نوعی از برج و سبک زندگی در یک محیط شهری با تراکم بالا را بررسی می‌کند. در برنامه ریزی شهری آینده، زمین رایگان برای همه افراد موجود است ولی ممکن است برای ساخت فضای سبز، پارک یا باغ کافی نباشد. با این حال، نیاز به این مناطق ضروری است و این آسمان خراش فرصتی را برای فضای سبز بزرگ در یک ردپای کوچک فراهم می‌کند. این برج ترکیبی از طبیعت و یک محیط ساخته شده توسط بشر است. این کوه به عنوان کوهی عمودی در مرکز شهر تصور شده است: کوهی برای پیاده روی یا صعود برای همه مردم می‌باشد. www.arel.ir

۱۲-۲- طبیعت برابری

این طراحی با تفکر مجدد در مورد رابطه‌ی بین انسان و طبیعت، امکان جدیدی برای برج و سبک زندگی مردم در محیط‌های شلوغ شهری فراهم می‌کند. در آینده‌ی توسعه‌ی شهری، طرح‌های شهری موجود ممکن است برای ساخت پارک‌ها و باغ‌ها کافی نباشد. اگرچه، اشتیاق طبیعت همیشه در قلب انسان محفوظ است. با در نظر گرفتن فضای کم مناطق شهری و علاقه‌ی بشر به فضاهای سبز بسیار، تنها راهکار ساختمان‌های عمودی است.

این برج ترکیبی از طبیعت و طبیعتی ساخته‌ی دست انسان است. کوهی عمودی در وسط شهر تصور کنید: کوهی برای کوهنوردی، صخره‌نوردی و زیستگاهی برای همه. از روزی که آسمان خراش‌ها ظهور کردند، به ابزاری برای افراد مرفه تبدیل شدند. این‌ها مظهر مصرف‌گرایی و نمادگرایی با تاکید بر جاه‌طلبی به جای شرایط زندگی هستند. تا کنون، حقوق مربوط به فضاهای بالای ساختمان در بازی پایتخت یکی از امتیازهای جدید محسوب می‌شد. به دنبال ارتفاع بودن هرگز متوقف نشده است و این

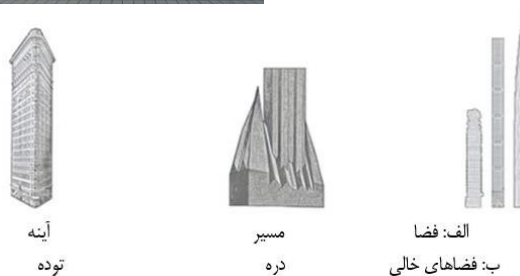
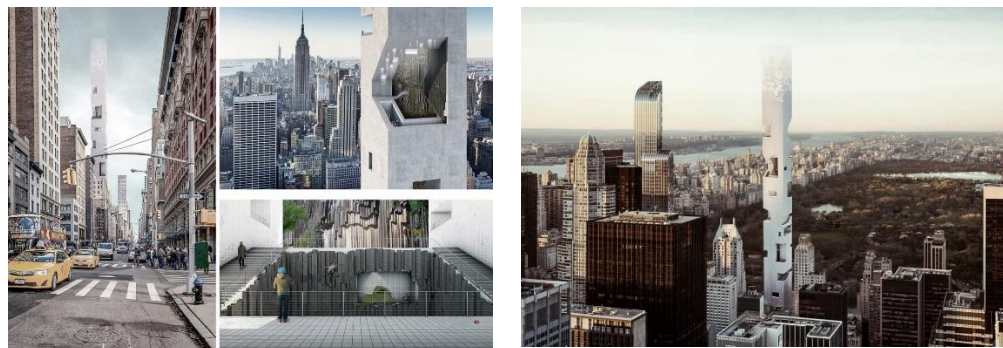
موقعیت ناعادلانه هیچ گاه تغییر نمی‌کند مگر اینکه شکل جدیدی از آسمان‌خراش ظاهر شود که از طبیعت الگو گرفته است. دسترسی به چنین مکانی بستگی به وضعیت مالی شما ندارد بلکه قدرت فیزیکی افراد تعیین‌کننده است چون هیچ آسانسوری برای بازیکنان پایتخت نداریم. آسمان‌خراش‌ها باید نماد برابری نوین باشند. هدف، حذف سلسله‌مراتب و مدل اجتماعی وابسته به هر چیزی در جهان است و ما به دنبال آزادی نوینی هستیم که در آن هرکس بتواند به سطوح مختلفی دست یابد. آسمان‌خراش نباید نوعی مزیت برای افراد مرفه باشد. بلکه باید خودش را به شکل ابزاری برای همه آشکار کند. اهمیت بازسازی آسمان‌خراش از اشتیاق و نیازهای القاشده مجزاست. آسمان‌خراش دیگر به شیء یا خواسته‌ای که از پیش تعیین شده و به فضاها محدود می‌شود، اطلاق نمی‌گردد بلکه با یکسان‌سازی و آزادی معنا پیدا می‌کند. همچنین از پتانسیل زندگی نوین برای تمام کاربران رونمایی می‌کند. حذف اختلاف طبقاتی، نمای برتری، انسان‌گریان از ایده‌های فلسفی طرح است. (www.evolo.ir).

۱۲-۳- آزادی فضا

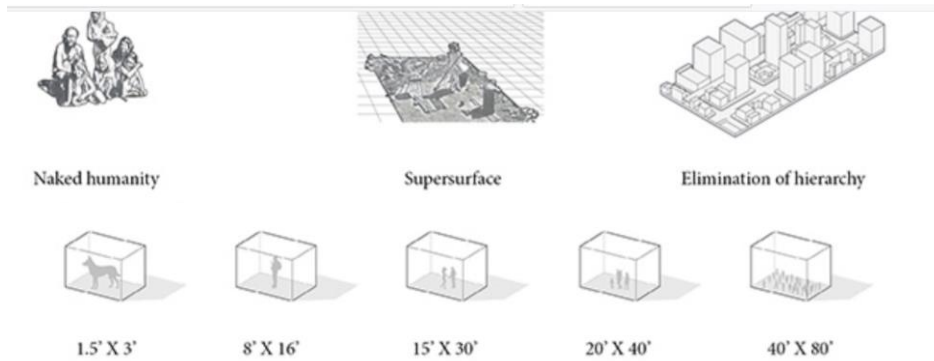
فاصله‌ی بین انسان با انسان که باعث گردهم آمدن و ایجاد مکان مشترک می‌شود: اگر فرد تنها باشد نیاز به فضای کوچکی دارد؛ اگر دو نفر باشند فضای بیشتری می‌خواهند؛ اگر ۱۰ نفر شوند تبدیل به مدرسه می‌شود. اگر صد نفر باشند، فضایی به اندازه تئاتر می‌خواهند. هزار نفر یک اتاق گردهم‌آیی می‌خواهند؛ ده هزار نفر یک شهر می‌خواهند؛ یک میلیون نفر تبدیل به کلان شهر می‌شود. فضای داخلی آسمان‌خراش‌ها کاملاً منعطف و آزاد است. فرقی بین فضاها و سطوح نیست. مکان‌ها فقط وابسته به فاصله‌ی انسان با انسان و حجم‌های فضایی است. حرکت دائم و برهم‌کنش‌های انسان به هر فضا معنا می‌دهد. (www.evolo.ir).

۱۲-۴- نوع‌شناسی دیگر

آسمان‌خراش‌های معمولی فضاهای زیادی به این چیزها اختصاص می‌دهند: لابی، دفتر/واحدهای اسکانی و تسهیلات. هر برنامه‌ای یک جایگاه درون برج به صورت عمودی بین دو بخش ابتدا و انتها در نظر می‌گیرد که فقط ارتباط بین طبقات مختلف را برقرار می‌سازد. در پیشنهاد جدید ما، برنامه‌ها به شکلی منعطف در طول مسیر رو به بالا تخصیص یافته‌اند. مرکز عبور و مرور اکنون با مدل کوه جایگزین شده که امکان مدیریت بهتر فضا را فراهم می‌کند. یک رابطه‌ی جدید بین مردم، طبیعت و معماری توسعه یافته تا محرک رخدادهای غیرمنتظره باشد. (www.evolo.ir) (شکل ۱ تا ۴)



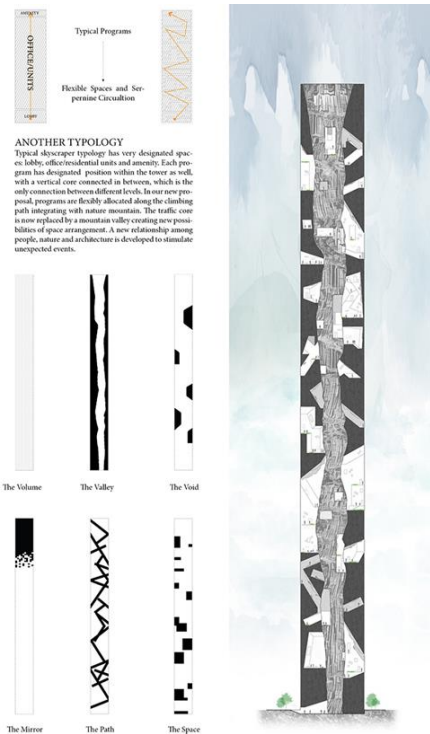
شکل ۱- ایده‌های اولیه طرح (www.archdaily.ir)



شکل ۲- ایده‌ها فلسفی طرح



شکل ۴- طرح نهایی پروژه
(www.evolo.ir)



شکل ۳- به کارگیری جرکات مارپیچ و منحنی در طرح
(www.archilovers)

۸- نتیجه‌گیری

فضاهای معماری و شهری، می‌بایست عرصه‌ای بی‌بدیل برای تماس بی‌واسطه با دنیای طبیعی باشند، دنیایی که در بستر طبیعت بکر زاده می‌شود و مجموعه‌ای از عوامل و فرآیندهای طبیعی را دربرمی‌گیرد؛ اما متأسفانه دنیای کنونی، به علت دوری از اکوسیستم و فرآیندهای طبیعی، پیامدهایی جز مشکلات متعدد زیست محیطی، فضای شهری بی‌روح و حضور معماری‌هایی که با نیازهای طبیعی انسان هیچ انطباقی ندارند را برای انسان‌ها در پی داشته است. توجه به مسکن نه فقط به عنوان یک سرپناه، بلکه به عنوان فضایی که بتواند شرایط لازم را برای رشد فردی هر یک از افراد خانواده فراهم آورد و همچنین نیازهای روحی و روانی آنان را مرتفع سازد حائز اهمیت است. یکی از راهکارهای ارتقای کیفیت محیط‌های مسکونی عصر حاضر بهره‌گیری از معماری‌هایی نوینی می‌باشد؛ این معماری‌ها به جهت پیوند و ارتباطی که با طبیعت دارند، می‌توانند پاسخگوی نیازهای روحی و روانی انسان معاصر باشند و تا اندازه‌های شرایط مطلوب و مناسب را برای زندگی متقاضیان مسکن فراهم سازند.

مفهوم زیست محیط این است که زمین را حتی بهتر از آنچه برای خود یافته‌ایم، برای نسل آینده حفظ کنیم. با این تعریف، فعالیت انسان زمانی در جهت پایدار نگهداشتن محیط زیست است که بتواند در زمانی محدود انجام شود یا ممتد باشد، بدون اینکه منابع طبیعی را به انتها برساند یا کیفیت محیط زیست را تنزل دهد. فضاهای سبز عمومی و به ویژه پارک‌های شهری را در جهان شهری شده معاصر باید به مثابه قلب تپنده شهرها دانست. آن‌ها نه تنها تعدیل‌کننده هوای شهرها و کاهنده آلودگی‌های گوناگون

شنیداری، دیداری، بویایی و ... در فضاهای شهری هستند، بلکه کارکردهای غیر مستقیم اجتماعی، روانی و فرهنگی و اقتصادی آن ها نقش اساسی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان بر عهده دارند. بر این اساس به نظر می‌رسد ضرورت توجه به معیارها و مولفه‌های کمی و کیفی مکان یابی و طراحی این فضاها ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در این مقاله سعی بر آن شد که با آوردن نمونه موفق پارک عمودی شهری با مفهوم بازاندیشی در رابطه بین انسان و طبیعت (طبیعت مساوی): پارک سبز عمودی شهری اگالارتی "ایالت متحده آمریکا ۲۰۲۰ بر این امر صحنه بگذاریم و آن را به جامعه معماران معرفی کنیم.

منابع

۱. اصغری کلجاهی، مریم و سیاوش پور، بهرام، (۱۳۹۴)، «بررسی روند رابطه معماری، طبیعت و انسان»، کنفرانس بین المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق های آینده، نگاه به گذشته، تهران،
۲. باباپور، هومن، (۱۳۸۷)، «بررسی راه‌های نگه‌داشت و توسعه باغ‌ها و فضاهای سبز شهری»، مجله شهرداری‌ها، شماره ۵
۳. بهرام سلطانی، کامبیز، (۱۳۷۱)، «مجموعه مباحث و روش های شهرسازی: محیط زیست، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران وزارت مسکن و شهرسازی تهران»، تهران.
۴. تقی زاده محمد (۱۳۸۴)، «جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی»، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
۵. حاتمی نژاد، حسین و عمران زاده، بهزاد، (۱۳۸۹)، «بررسی، ارزیابی و پیشنهاد سرانه فضای سبز شهری: نمونه مورد کلان شهر مشهد»، فصل نامه جغرافیا، سال هشتم، شماره ۲۵، صص ۶۷-۸۵.
۶. حکمتی، جمشید، (۱۳۸۶)، «مهندسی فضای سبز»، انتشارات سپهر، تهران.
۷. زمانی، پگاه (۱۳۸۵)، «مقدمه ای بر حضور طبیعت در معماری»، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی کرمان، سازمان میراث فرهنگی کشور
۸. سعیدنیا، احمد، (۱۳۸۳)، «کتاب سبز شهرداری: طراحی فضاها و میلمان شهری»، سازمان شهرداریهای کشور، تهران.
۹. سعیدنیا، احمد، (۱۳۸۹)، «کتاب سبز شهرداری (فضای سبز شهری)»، سازمان شهرداری های کشور، تهران.
۱۰. شکویی، حسین، (۱۳۸۵)، «جغرافیای شهری»، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول.
۱۱. صالحی فرد، محمد، (۱۳۸۹)، «تحلیلی بر ابعاد اجتماعی فضاهای سبز شهری با تاکید بر دیدگاه شهروندان، فضای جغرافیایی»، شماره ۲۹.
۱۲. طالبی، خورشودی سیدمحمد، (۱۳۹۴)، «معماری و هم نشینی با طبیعت»، کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، زمان: ۱۳۹۴، دوره ۱
۱۳. عابدی، سپیده، (۱۳۸۹)، «پارک شهری، فرصت مدنی یا تهدید جامعه؟»، ماه نامه منظر، شماره ۱۰.
۱۴. عباس زاده، غلامرضا، (۱۳۹۰)، اتحادیه شهرها، شهرهای قابل سکونت، فواید برنامه ریزی محیط زیست شهری»، انتشارات صحاف.
۱۵. عطایی، ستاره، طباییان، سیده مرضیه، (۱۳۹۶)، «تاثیر تعامل طبیعت با فضای معماری در ارتقای طراحی مجتمع های مسکونی» عنوان همایش: کنفرانس بین المللی توسعه پایدار و عمران شهری زمان: ۱۳۹۶، دوره
۱۶. فالاحت، صمد شهیدی محمد صادق. ۱۳۸۹. «تحولات مفهوم طبیعت و نقش آن در شکل گیری فضای معماری». نشریه ۴۲۰۳۸۹ هنرهای زیبا، شماره ۱
۱۷. الکساندر، کریستوفر و سرج چرمایف، (۱۳۸۸)، «عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی»، مترجم منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه
۱۸. کیانی مصطفی، (۱۳۸۰)، «طبیعت در آثار معماران» مجله معماری و فرهنگ شماره ۸ صص ۷۵-۶۰
۱۹. محمدی، جواد، (۱۳۸۱)، «تحلیل پراکنندگی فضایی و مکان یابی فضای سبز شهری در منطقه ۲ شهر تبریز»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. مهندسین مشاور آمایش محیط، (۱۳۷۲)، «اصول و ضوابط طراحی پارک‌های شهری، سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران» تهران.
۲۱. مهندسین مشاور رویان، (۱۳۸۹)، «ضوابط طراحی فضاهای سبز شهری»، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، شماره ۲۰۳.
۲۲. نزیبت کیت ۱۳۸۶، «نظریه های پسامردن در معماری»، ترجمه و تدوین محمدرضا شیرازی، نشر نی، تهران ۸۸۱۰)
۲۳. نورمحمدی، سوسن، (۱۳۸۸)، «ضرورت درک سرشت فضای معماری با استناد به رویکردهای معاصر مبتنی بر نور طبیعت». نشریه ی هنرهای زیبا. شماره ۳۷
۲۴. هیرمندی نیاسر، مرضیه، (۱۳۹۵)، «معماری و توسعه پایدار و رابطه آن با انسان و طبیعت» سال دوم شماره ۴ و ۵ پیاپی: ۱۱ و ۱۲ جلد ۴ مطالعات هنر و معماری - تیر و مرداد ۱۳۹۵، کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه پیام نور واحد هرمزگان

۲۵. یاراحمدی، امیر، (۱۳۷۸)، « به سوی شهرسازی انسان گرا شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران) چاپ اول»، تهران.

26. Roseland, M (Ed) (1997) Eco-city Dimensions: Healthy Communities, Healthy Planet. New Society Publishers, Gabriola Island, BC
27. Munier, Nolberto (2006), Hand Book on Urban Sustainability, Springer, the Netherlands.
28. Fargkou, Maria Christina(2009), Evaluation of Urban sustainability through a metabolic perspective, Ph.D. Thesis, Environmental Sciences, Universitat Autònoma de Barcelona.
29. Harper, E. M. and Graedel, T. E. (2004), Industrial ecology: a teenager's progress. Technology in Society 26: 433-445
30. Shi, Long (2002), Suitability Analysis and Decision Making Using GIS, Spatial Modeling.
31. Wong, T., B.,Yuen (2011), Eco-City Planning, Springer, Singapore, pp .50- 15
32. www.evolo.ir
33. www.arel.ir
34. www.archdaily.ir
35. www.archilovers.com